

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۳۹۶/۰۲/۰۷

موضوع: آثار شوم هفتگانه گناه «دروغ»!

برنامه اخلاق علوی

مجری:

بسم الله الرحمن الرحيم

از روز ازل چون گل ما را بسرشتند

بر سینه ما نام علی را بنوشتند

شادیم که یاران وفادار ولایت

در روز جزا جملگی از اهل بهشتند

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

سلام و درود و ارادت به پیشگاه مهربان و باصفای شما عزیزان خوب بیننده، همراهان خوب و دوست داشتنی «اخلاق علوی»؛ ان شاءالله خوب و خوش و سلامت باشید.

امروز روز پایانی ماه رجب المرجب و فردا هم اول شعبان المعظم ماه پیامبر خداست. سلام و صلوات می فرستیم بر روح پاک، مطهر، نورانی و ملکوتی نبی گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) و نفس پیغمبر، وجود نازنین حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه).

ماه شعبان ماه شادی اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) است و ما اصلاً مناسبت شهادت نداریم.

ولادت باسعادت امام حسین (علیه السلام)، حضرت ابوالفضل العباس (علیه السلام)، سید الساجدین حضرت زین العابدین (علیه السلام)، حضرت علی اکبر و نیمه شعبان هم ولادت باسعادت آقا جانمان حضرت ولی عصر (ارواحنا و ارواح العالمین له الفداه) در این ماه است.

ان شاء الله به واسطه شادی دل اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) دل شما عزیزان هم شاد باشد.

خیلی خوشحال می شویم که همین ابتدای برنامه دست به گوشی شوید، گوشی تلفن همراه خودتان را بردارید و از راه های ارتباطی که برای شما زیرنویس شده برای ما پیام بدهید.

سامانه پیام کوتاه «۳۰۰۰۱۲۰۳» در اختیار شما هست؛ همچنین تلفن همراهی که می توانید به واسطه آن از طریق فضای مجازی با برنامه های واتس آپ، تلگرام و وایبر به ما پیام بدهید.

الحمد لله و خدا را شکر این شرایط برای شما مهیاست که با ما ارتباط داشته باشید و عشق و ارادت و محبت خودتان را به ساحت نورانی و ملکوتی حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) نشان بدهید.

برنامه «اخلاق علوی» شب های جمعه تقدیم حضور شما می شود و هدف ما این است که از اخلاق مولا و آقایمان حضرت حیدر کرار امیرالمؤمنین اسد الله الغالب بگوییم، بشنویم، استفاده کنیم و ان شاء الله اخلاق آن عزیز برای همه ما الگو باشد.

به تازگی اتفاقی افتاده است؛ جا دارد یادی کنیم از شهدای عزیزی که دیشب یا امروز به شهادت رسیدند. گروه تروریستی «جیش الظلم» شهادت تعدادی از سربازان جان بر کف ارتش و کادر ارتش را بر عهده گرفتند.

شهادت این عزیزان را به خانواده‌های عزیزشان تسلیت عرض می‌کنیم. ان شاءالله روح این شهیدان با ارواح اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) و روح ملکوتی حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) محشور و مهمان هستند.

امشب شب جمعه، شب رحمت و مغفرت است؛ به یاد این عزیزان باشیم و جهت شادی روحشان صلواتی هدیه می‌کنیم.

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

در محضر استادمان حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی هستیم که بوی کربلا و نجف می‌دهند. ایشان به تازگی از این سفر نورانی و باصفا برگشتند و حتماً در این ارتباط زنده به ما قول دادند که یاد ما بوده و هستند. استاد سلام علیکم و رحمة الله، خوش آمدید:

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ بنده هم خدمت همه بینندگان عزیز و گرامی و دوست داشتنی که در هرکجای این گیتی پهناور بیننده این برنامه هستند و ما را مهمان کانون گرم و باصفای خانواده خودشان قرار دادند خالصانه‌ترین سلام را همراه با آرزوی موفقیت بیش از پیش تقدیم می‌کنم.

ایام شعبان المعظم و اعیاد شعبانیه را به همه عزیزان تبریک و تهنیت می‌گویم. خدا را به آبروی بزرگوارانی که در این ماه شریف قدم به عالم گیتی نهادند قسم می‌دهم فرج مولای ما حضرت بقية الله الأعظم را نزدیک کند و همه ما و شما را از یاران خاص آن بزرگوار قرار بدهد.

از خداوند متعال می‌خواهیم قلب مقدس حضرت ولی عصر (ارواحنا له الفداه) را از همه ما راضی بگرداند، خیر دنیا و آخرت به ما ارزانی بدارد، شر دنیا و آخرت را از ما سلب کند و دعاها را به اجابت برساند؛ ان شاءالله.

مجری:

استاد از شما ممنونم. تشکر از این همه دعای خوبی که همین ابتدای برنامه در حق ما و در حق دوستان خوب بیننده «شبکه جهانی ولایت» فرمودید.

ما در برنامه‌های گذشته موضوع دروغ که یکی از گناهای است که به آن دچار هستیم و گاهی خیلی ساده از کنار آن می‌گذریم را پیش گرفتیم.

در تربیت فرزندان متأسفانه گاهی دیده می‌شود که بزرگ‌ترها دروغ می‌گویند، به فرزندان دروغ گفتن یاد می‌دهند و کم‌کم این مسئله در میان فرزندان به عادت روزمره تبدیل می‌شود.

استاد جلسه گذشته راجع به دروغ و دروغ‌گویی صحبت کردید؛ به ویژه مذمتی که حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در مورد دروغ داشتند.

اگر صلاح بدانید خلاصه‌ای از مطالب برنامه گذشته بفرمایید تا یک آمادگی ذهنی برای دوستان عزیز که همراه برنامه نبودند ایجاد شود، سپس در مورد آثار سوئی که دروغ گفتن می‌تواند در روح و روان و رفتار ما داشته باشد صحبت کنیم.

مروری بر مطالب جلسه گذشته!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمد لله و الصلوة علی رسول الله و علی آله آل الله لا سیما علی مولانا بقیة الله و اللعن الدائم علی اعدائهم اعداء الله الی یوم لقاء الله افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد حسبنا الله و نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر

همان‌طور که عزیزمان هم اشاره کردند بازهم توفیق و عنایتی از طرف خداوند تبارک و تعالی و توجه حضرت ولی عصر (ارواحنا له الفداه) نصیب ما شد که سفر دو روزه به عراق داشتیم. در این سفر سامرا را زیارت کردم.

بنده بعد از سقوط صدام تنها یک بار به زیارت امامین عسکریین در سامرا رفتم که آن سفر هم با آشفتگی و بیماری همراه بود.

ما تقریباً ۱۸ سال به زیارت حرمین عسکریین نرفته بودیم، مخصوصاً بعد از اینکه وهابیت کوردل و پست صفت، همراه با تشویق کنندگان و مساعدین پلیدشان، حرم را مورد هتک حرمت قرار داده بودند. هر وقت دوستان می‌رفتند و ضریح چوبی را می‌دیدند قلب انسان به درد می‌آمد.

ما بعد از مدت‌ها، برای مراسم نصب ضریح مطهر حرم امامین عسکریین به سامرا مشرف شدیم. شرکت در این مراسم و زیارت واقعاً برای من صفای خاصی داشت که از این بابت خدا را شاکر هستم.

ما همچنین سرداب مقدس که محل زندگی امام حسن عسکری و امام هادی (علیهم السلام) بوده و همچنین محل ولادت حضرت ولی عصر (ارواحنا له الفداه) بوده را زیارت کردیم.

امام زمان (ارواحنا له الفداه) بعد از تولد تا ۵ سالگی در سرداب زندگی کردند و غیبت صغری آن بزرگوار هم از این مکان آغاز شده است.

گرچه وهابی‌های پلید و پست افسانه‌هایی که شیاطین و «ابن تیمیه» برای آن‌ها درست کردند را به زبان می‌آورند. آقای «غماری» معتقد است که «ابن تیمیه» سرکرده منافقین عصر خودش و رهبر منافقین تمام عصرها هستند، سپس می‌گوید: لعنت‌های خداوند بر او باد!!

«ابن تیمیه» ادعا می‌کند: شیعیان هر روز با اسب و شمشیر جلوی سرداب می‌ایستند، نماز عصر را با آخر وقت با عجله می‌خوانند و منتظر هستند تا امام زمان از سرداب قیام کنند و همراه او باشند، اما ایشان قیام نمی‌کند و آن‌ها فردا دوبرتبه به این مکان می‌روند.

من نمی‌دانم این افراد این حرف‌ها را از کجا درآورده‌اند. البته وارد شده است افرادی هستند؛

«يُخْتَاجُ الشَّيْطَانُ إِلَى كَذِبِهِ»

شیطان به دروغ آن‌ها احتیاج دارد.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۶۹،

ص ۲۶۰، ح ۲۸

واقعاً شیطان به دروغ امثال «ابن تیمیه» احتیاج دارد.

مجری:

این افراد چقدر بدبخت هستند.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

در طول تاریخ مردمان زیادی به سامرا سفر کردند و همگی می‌دانند که سامرا عمدتاً شهری سنی نشین است و حدود ۸۵ درصد از جمعیت آن را اهل سنت تشکیل می‌دهند.

شما می‌توانید از اهل سنت سؤال کنید که آیا چنین اتفاقی در طول ۱۴۰۰ سال افتاده است، یا خیر؟! زمانی که حیا، دین و وجدان نباشد انسان هر چیزی می‌تواند به زبان بیاورد. واقعاً خدا را شاکر هستیم که دشمنان ما را احمق‌ترین انسان‌ها قرار داده است.

بنده معتقدم اگر طرفداران «ابن تیمیه» کتاب «منهاج السنة النبویة» را بخوانند و سپس در زندگی شیعیان تفحصی کنند، یقین می‌کنند کذاب‌ترین افراد کره زمین در طول تاریخ «ابن تیمیه» بوده است و از او کذاب‌تر نبوده است.

یکی از موارد دروغ‌گویی‌های او همین دروغی است که نقل کردیم و واقعاً نمی‌دانیم او این دروغ‌ها را از کجا می‌گوید. این مطالب در کتب شیعه اصلاً وجود ندارد، اما ما این مطالب را در کتب اهل سنت هم ندیدیم که سند درستی داشته باشد!!

ما خدا را شاکر هستیم که ما را از شیعیان و دوست‌داران ائمه طاهرین (علیهم السلام) قرار داده است. همان یک روز که بنده در عراق بودم جزو یکی از موفق‌ترین روزهای عمرم بود، زیرا در همان یک روز موفق به زیارت حرمین سامرا، کاظمین، کربلا و نجف شدم.

ما در نجف داخل صحن حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) هم برنامه فارسی برگزار کردیم که در خدمت شما بودیم و هم برنامه عربی برگزار کردیم که جناب آقای «یاسر شریف» بعد از آن برنامه داشتند.

دوستان واقعاً شب مبعث جای هرکسی که به نجف نرفته بود خالی بود؛ زیرا بنده واقعاً حتی شب سیزدهم رجب هم این ازدحام و عشق و صفا و اظهار ارادت را از مردم ندیدم.

الحمد لله رب العالمین هرچه وهابیت به ائمه (علیهم السلام) توهین و ناسزا می‌گویند، اما به کوری چشم آن‌ها عشق و علاقه شیعیان و حتی اهل سنت نسبت به آن بزرگواران بیشتر می‌شود که ما آن را از عنایت خداوند عالم و معجزه و کرامت آن بزرگواران می‌دانیم.

در رابطه با سؤال حضرتعالی باید بگوییم که ما هفته گذشته مطالبی پیرامون دروغ و دروغ‌گویی از منظر حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) و اخلاق علوی بیان کردیم و اشاره کردیم که آن بزرگوار می‌فرماید:

«أَعْظَمُ الْخَطَايَا عِنْدَ اللَّهِ لِسَانُ الْكُذَّابِ»

بزرگ‌ترین خطا نزد خداوند خطای زبانی است که دروغ می‌گوید.

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۸،

ص ۸۲، ح ۳۹

آن بزرگوار در روایت دیگری می‌فرماید:

«وَتَحْفَظُوا مِنَ الْكُذِبِ فَإِنَّهُ مِنْ أَدْنَى الْأَخْلَاقِ»

دروغ گفتن نشانه پستی اخلاق انسان است.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۷۵،

ص ۶۴، ح ۱۵۷

همچنین در روایت دیگری وارد شده است:

«شَرُّ الْأَخْلَاقِ الْكُذِبُ»

بدترین اخلاق دروغگویی است.

تصنيف غرر الحكم و درر الكلم، نویسنده: تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، محقق / مصحح: درایتی،

مصطفی، ص ۲۱۹، ح ۴۳۷۳

امیرالمؤمنین در روایت دیگری می‌فرمایند:

«شَرُّ الشُّبُهَاتِ الْكُذِبُ»

بدترین ویژگی و صفت دروغگویی است.

تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، نویسنده: تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، محقق / مصحح: درایتی،

مصطفی، ص ۲۱۹، ح ۴۳۷۵

همچنین در روایت دیگری وارد شده است:

«مَا كَذَبَ عَاقِلٌ»

مگر انسان عاقل دروغ می‌گوید!؟

عیون الحکم و المواعظ، نویسنده: لیثی واسطی، علی بن محمد، محقق / مصحح: حسنی بیرجندی،

حسین، ص ۴۷۶، ح ۸۷۳۴

این مطالب، خلاصه‌ای از مطالبی بود که ما در جلسه گذشته بیان کردیم. همچنین بیان کردیم که امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) می‌فرماید: دروغ کلید تمام قفل‌های شر است. تمام شرها و گناهان در یک خانه جمع هست که کلید آن دروغ است.

آن بزرگوار می‌فرماید: کسی که نسبت به دروغگویی بی‌پرواست، نسبت به سایر گناهان هم بی‌پرواست. کسی که از دروغ اجتناب می‌کند، قطعاً از گناهان دیگری هم اجتناب می‌کند.

ما روایتی بیان کردیم که در منابع شیعه و اهل سنت ذکر شده است. فردی خدمت نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) آمد و عرض کرد:

یا رسول الله! من به چهار گرفتاری زنا و شرب خمر و دزدی و دروغگویی مبتلا هستم، اما همه را نمی‌تواند یک مرتبه ترک کنم. می‌خواهم به خاطر تو یکی از گناهانم را ترک کنم تا بعد از گذشت مدتی بتوانم گناه دیگری را ترک کنم.

«قال دع الكذب»

رسول الله فرمودند: دروغ را رها کن.

این شخص ابتدای شب به سراغ زنا رفت و با خود گفت: اگر پیغمبر اکرم از من در این باره سؤال کند و دروغ بگویم عهد خود را شکستم و اگر راست بگویم حد می خورم.

این شخص از این کار منصرف شد و به سراغ دزدی رفت و با خود گفت: اگر پیغمبر اکرم از من در مورد دزدی سؤال کنند و دروغ بگویم عهد خود را شکستم، اما اگر راست بگویم حد می خورم.

مرد از این کار هم منصرف شد و به سراغ شرب خمر رفت و با همین فکر از این کار هم منصرف شد و به خاطر اینکه دروغ نگوید، سه گناه دیگر را هم ترک کرد و از آنها اجتناب کرد.

«فرجع إليه فقال قد أخذت على السبيل كله فقد تركتهن أجمع»

مرد نزد پیغمبر اکرم بازگشت و گفت: یا رسول الله! با همین یک جمله تمام راههای گناه را بر من بستى، همه را کنار گذاشتم.

شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد، نویسنده: ابن أبي الحديد، عبد الحميد بن هبة الله، محقق / مصحح:

ابراهیم، محمد ابوالفضل، ج ۶، ص ۳۵۷، فصل فی ذم الكذب و حقايرة الكذابين

این شخص در نهایت از پیغمبر اکرم تشکر کرد که خداوند عالم چنین توفیقی به او داده است. در رابطه با آثار سوء دروغ گفتن، روایات زیادی از رسول گرامی اسلام، امیرالمؤمنین و ائمه طاهرین (علیهم السلام) وارد شده است. در روایتی وارد شده است:

«یاکم و الكذب فإنّ الكذب مجانِب للإیمان»

از دروغ پرهیزید که دروغ با ایمان سازگار نیست.

نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، نویسنده: پاینده، ابو القاسم،

ص ۳۵۵، ح ۹۹۸

طبق این روایت دروغ در قلبی که ایمان در آن وجود دارد، جایی ندارد. همچنین اگر در قلبی دروغ آمد ایمان جایی ندارد. امام باقر (علیه السلام) می فرماید:

«كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عِندَكُمْ بِالْكَوْفَةِ يَعْثُدِي فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنَ الْقَصْرِ فَيَطُوفُ فِي
أَسْوَاقِ الْكَوْفَةِ سُوقًا سُوقًا»

امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب در زمان خلافت خود در کوفه بعد از اینکه غذا میل می فرمودند از قصر بیرون می آمدند و در بازار کوفه بازار به بازار می گشتند.

«وَمَعَهُ الدَّرَّةُ عَلَى عَاتِقِهِ وَكَانَ لَهَا طَرَفَانِ وَكَانَتْ تُسَمَّى السَّبِيْبَةَ»

شلاقی هم همواره بر کتفشان آویزان بود که دو طرفه بود.

دوستان دقت کنید اخلاق علوی چیست!! اخلاق علوی تنها به این معنا نیست که ما در ماه محرم یا ماه رمضان سینه زنی کنیم، اطعام کنیم و در جلسات شرکت کنیم.

«قَالَ فَيَقِفُ عَلَى أَهْلِ كُلِّ سُوقٍ فَيَتَأَدَّى فِيهِمْ يَا مَعْشَرَ التُّجَّارِ قَدِّمُوا لِالِاسْتِخَارَةِ»

امیرالمؤمنین وارد هر بازاری می شدند با صدای بلند ندا می کردند: دوستان تجار زمانی که می خواهید از خانه بیرون بروید از خداوند طلب خیر کنید.

مجری:

منظور این نیست که تسبیح بردارید استخاره کنید که خوب است یا نه!!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بله، منظور استخار کردن نیست.

«و تَبَرَّكُوا بِالسُّهُولَةِ»

زندگی خود را با سهولت تبرک کنید.

امیرالمؤمنین می فرمایند: در زندگی سختگیری نکنید و سختگیر نباشید، زیرا اسلام دین آسانی است و مسلمان هم باید در برخورد با دیگران متساهل باشد.

«و اقْتَرِبُوا مِنَ الْمُتَبَاعِينَ»

با مشتری طوری رفتار نکنید که فرار کند.

به عنوان مثال اگر مشتری یک کیلو سیب از شما خرید و مشاهده کرد مغازه‌های بالاتر ارزان‌تر از تو می‌فروشند، او دیگر هرگز برای خرید به مغازه تو نمی‌آید.

همچنین اگر فروشنده با مشتری اخلاق علوی را رعایت نکند و با مشتری خشونت برخورد کند او دیگر برای خرید به آن مغازه نمی‌آید.

«و تَزَيَّنُوا بِالْحِلْمِ»

خلق خود را به حلم زینت دهید.

اگر زمانی مشتری بداخلاقی کرد، شما در برابر او بداخلاقی نکنید. به عنوان مثال اگر مشتری میوه‌ای از شما خرید و وقتی به منزل رفت مشاهده کرد که لازم ندارند از او پس بگیرید. همچنین اگر جنسی از شما خرید و مشاهده کرد که فاسد است از او پس بگیرید.

تلاش کنید در برخورد با مشتری سختگیر نباشید، برخورد خوب داشته باشید و با حلم و بردباری معامله کنید.

«و تَنَاهَا عَنِ الْيَمِينِ»

در معاملات قسم نخورید.

به عنوان مثال اگر برای خرید پارچه به مغازه می‌روید و قیمت پارچه‌ای را می‌پرسید فروشنده بلافاصله شروع به قسم خوردن می‌کند که خودش به این قیمت خریده است. همچنین می‌گویید: خودم این قیمت خریدم و برای اینکه سریعاً فروش رود این قیمت می‌فروشم.

در این صورت فروشنده چندین مرتبه قسم می‌خورد تا مشتری راضی باشد چند متر پارچه یا چند کیلو میوه بخرد.

مجری:

گاهی اوقات قسم دروغ می‌خورند.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

غالباً قسم دروغ می‌خورند. حال ان شاء الله ما در رابطه با قسم دروغ و احکام آن مطالبی را بیان خواهیم کرد.

حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) می‌فرماید: قسم دروغ زندگی را متلاشی می‌کند، خانه‌ها ویران می‌کند، ساختمان‌ها را بی‌صاحب می‌کند و نسل‌های انسان را قطع می‌کند.

دوستان عزیز قسم خوردن دروغ به این سادگی‌ها نیست. اگر فرصت شد در آخر همین برنامه یا برنامه هفته بعد آثار سوء و وضعی قسم خوردن را بیان خواهیم کرد. قسم دروغ خوردن زندگی‌ها را متلاشی می‌کند. به عنوان مثال شما قسم دروغ می‌خورید که ده هزار تومان یا ده میلیون تومان یا ده میلیارد تومان بیشتر به دست آورید، اما همین قسم خوردن باعث می‌شود تمام زندگی تو را به هوا ببرد.

امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) به تجار سفارش می‌کنند که حتی قسم راست هم نخورید، زیرا روزی شما دست این خریدار نیست بلکه دست خداوند عالم است.

«وَجَانِبُوا الْكُذِبَ»

در معاملات دروغ نگویید.

«وَتَجَافُوا عَنِ الظُّلْمِ»

در حق مشتری ظلم نکنید.

به عنوان مثال شما جنسی را خریدید که دیگر در بازار نیست و آن جنس به بازار سیاه تبدیل شده است. شما با نیت اینکه خداوند روزی کلانی را به شما رسانده است این جنس را به قیمت بازار سیاه نفروشید.

اگر همه مردم اخلاق علوی را رعایت کنند و تلاش کنند اگر جنسی کمیاب شد آن را به قیمت واقعی خود بفروشند مردم دیگر متضرر نخواهند شد و گرفتاری پیدا نخواهند کرد.

«وَأَنْصِفُوا الْمَظْلُومِينَ»

در حق مظلومین انصاف داشته باشید.

اگر در حق کسی ظلم شده و جنس گران قیمتی خریده که به خاطر شرایط زندگی نمی‌تواند آن را مصرف کند، زمانی که جنس را برمی‌گرداند آن را به آغوش باز و اخلاق خوش بپذیرید. همچنین اگر مشاهده کردید که همسایه شما در حق کسی ظلم می‌کند جلوی او را بگیرید.

همان‌طور که عرض کردیم امیرالمؤمنین در بازار کوفه می‌رفتند که مشاهده کردند کنیزی با حالت اضطراب و ناراحتی کنار دیوار ایستاده است. زمانی که حضرت از او علت ناراحتی او را پرسیدند، کنیز گفت: "من جنسی را خریدم و مولای من گفت که این جنس را نمی‌خواهم. وقتی آن را به مغازه‌دار برگرداندم او قبول نمی‌کند جنس را پس بگیرد. حیران مانده‌ام که اگر به منزل بروم اربابم مرا کتک می‌زند و اخراج می‌کند. این شخص هم قبول نمی‌کند پول مرا پس دهد."

امیرالمؤمنین کنیز را به در مغازه آورد و رو به مغازه‌دار گفت: این چه کاری است که می‌کنید؟! تصور کنید که این کنیز به در مغازه شما نیامده است و شما اصلاً این جنس را نفروختید. چرا در حق دیگران ظلم و اجحاف می‌کنید.

حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) واسطه شدند تا فروشنده جنس را پس بگیرد، بعد از آن کنیز را به در منزل اربابش آورد و فرمود: اگر کنیز تأخیر کرده او را به خاطر من ببخشید. مشاهده کنید اخلاق علوی این است!!

«وَلَا تَقْرَبُوا الرِّبَا»

در معاملات به ربا نزدیک نشوید.

ربا خود دنیایی دارد که نمی‌خواهیم وارد این بحث بشویم، آنچه مهم است اینکه در قرآن کریم از ربا به «جنگ با خدا» یاد شده است. در حقیقت کسانی که اهل ربا هستند محارب با خداوند هستند و دارند با خداوند می‌جنگند.

در روایت وارد شده است گناه یک درهم ربا همانند چند مورد زنا با مادر در داخل بیت الله الحرام است!!

حال در جامعه ما اگر کسی دچار مشکل شود و از دیگری مبلغی به عنوان قرض مطالبه کند، طرف مقابل پرداخت می‌کند به شرط آنکه ماهیانه مبلغی سود دریافت کند. سپس طرفین سر این مبلغ قرارداد می‌نویسند و چندین برابر هم سفته گرو می‌گیرد.

من نمی‌دانم این افراد اهل قرآن و روایت نیستند؟! قرآن کریم می‌فرماید: ربا به منزله جنگ با خداوند عالم است؛

(فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ)

اگر (چنین) نمی‌کنید، بدانید خدا و رسولش، با شما پیکار خواهند کرد!

سوره بقره (۲): آیه ۲۷۹

بنابراین امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) می‌فرماید: تلاش کنید اصلاً به طرف ربا نزدیک نشوید. البته باید بگویم غالب مضارباتی که در بازار صورت می‌گیرد، مضاربات باطل است!!

گاهی اوقات افرادی به مغازه‌دار پول می‌دهد که با این پول کار کند و سر ماه فلان مبلغ پس بدهد. این مضاربه باطل است، زیرا شما اولاً نمی‌توانید معین کنید که صد هزار تومان می‌دهید و ماهی پنج هزار تومان سود دریافت می‌کنید. این کار خلاف شرع و حرام است!!

شما اولاً باید چنین معین کنید که در ازای مبلغی که قرض می‌دهید در سود طرف مقابل پنجاه درصد شریک هستید و یا درصد معین کنید.

نهایتاً بگویید که نمی‌دانید چقدر سود می‌برید و سود را به این درصد مصالحه می‌کنید، زیرا حداقل انسان با مصالحه کار را درست کند. امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در ادامه این آیه را قرائت می‌فرمایند:

(أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ)

پیمانه و وزن را با عدالت وفا کنید و بر اشیاء (و اجناس) مردم عیب مگذارید و از حق آنان نگاهید و در زمین فساد مکنید.

سوره هود (۱۱): آیه ۸۵

امیرالمؤمنین در بازارهای کوفه می‌گشتند و تجار و فروشندگان را توصیه و نصیحت می‌فرمودند. زمانی که حضرت از سخنان خود فارغ می‌شدند و سخنان آن بزرگوار تمام می‌شد؛

«قَالُوا السَّمْعَ وَالطَّاعَةَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ»

فروشندگان می‌گفتند: یا امیرالمؤمنین ما همه گوش به فرمان تو هستیم.

الأمالی، نویسنده: مفید، محمد بن محمد، محقق / مصحح: استاد ولی، حسین وغفاری علی اکبر، ص

۱۹۷، ح ۳۱

مشاهده کنید در طول تاریخ کدامیک از خلفا بعد از رسول گرامی اسلام این روش، این سیره و این تعابیر را داشتند؟

اولین اثر سوء دروغ گفتن این است که وقتی دروغ از زبان بیرون می‌آید ملائکه از انسان دور می‌شوند. حضرت می‌فرمایند:

«إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا كَذَبَ تَبَاعَدَ مِنْهُ الْمَلَكُ مِنْ نَثْنِ مَا جَاءَ مِنْهُ»

زمانی از زبان بنده‌ای دروغ بیرون می‌آید ملائکه از بوی گند دهان او فرار می‌کنند.

مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، نویسنده: نوری، حسین بن محمد تقی، محقق / مصحح: مؤسسه

آل البيت عليهم السلام، ج ۹، ص ۸۹، ح ۱۰۳۰۳

ما نمی‌دانیم ماجرا چیست، اما کسانی که اهل دل هستند و چشم برزخی دارند آثار این مسائل را می‌بینند. ملائکه احساس می‌کنند که دروغ گفتن اثر وضعی دارد، همان‌طور که راست گفتن هم برای خود اثر وضعی دارد. همچنین در روایت دیگری وارد شده است: ملائکه به جهت بوی گندی که از دهان انسان به خاطر دروغ گفتن بیرون می‌آید، به اندازه پنج کیلومتر از او فاصله می‌گیرند.

دومین مشکلی که به واسطه دروغ‌گویی دامنگیر انسان می‌شود محرومیت انسان از روزی است. امام صادق (علیه السلام) روایتی از حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) نقل می‌کنند که حضرت می‌فرمایند:

«إِنَّ الرَّجُلَ لَيَكْذِبُ الْكُذِبَةَ فَيُحْرَمُ بِهَا صَلَاةَ اللَّيْلِ فَإِذَا حُرِمَ صَلَاةَ اللَّيْلِ حُرِمَ بِهَا الرَّزْقُ»

زمانی که انسانی دروغ می‌گوید از نماز شب محروم می‌شود و به همین خاطر از روزی محروم می‌شود.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۶۹،

ص ۲۶۰، ح ۲۹

دقت داشته باشید یکی از آثار با برکت خواندن نماز شب داشتن روزی فراوان است. امیرالمؤمنین می‌فرماید: شخصی که نماز شب می‌خواند و صبح می‌گوید من محتاج هستم، دروغ می‌گوید.

اصلاً یکی از کلیدهای توسعه رزق و روزی خواندن نماز شب است. همچنان که عزیزان آداب نماز شب را می‌دانند اوقات آن از نیمه شب شروع می‌شود و تا اذان صبح ادامه دارد.

افرادی که خوابشان سنگین است و احساس می‌کنند نمی‌توانند بیدار شوند و یا تا نیمه شب بیدار بمانند، می‌توانند قبل از نیمه شب نماز شب بخوانند. همچنین می‌توانند صبح قضای نماز شب را به جای آورند.

مرحوم آیت الله شهید قدوسی می‌گفتند: من طلبه‌ای که وقت نماز شب بیدار باشد، اما نماز شب نخواند را ظالم می‌دانم. همچنین به تعبیر امام راحل افرادی که به مقامات بالا رسیدند، همگی اهل تهجد و نماز شب بودند.

نماز شب توفیقات انسان را در کارهای دیگر افزایش می‌دهد که یکی از بهترین اوقات آن یک ساعت مانده به اذان صبح است.

به قول «صاحب جواهر» یک ساعت آخر شب و قبل از اذان صبح وقت ملاقات خصوصی با خداوند عالم است. خداوند متعال در این ساعت تنها بندگانی را که دوست دارد توفیق می‌دهد تا در این ساعت بیدار شوند و نماز شب بخوانند و استغفار کنند.

همان‌طور که می‌دانید نماز شب یازده رکعت است و افرادی که نمی‌توانند همه آن را بخوانند می‌توانند سه رکعت آخر را بخوانند. همچنین اگر همین مقدار را هم نمی‌توانند بخوانند، یک رکعت بخوانند. مشاهده کنید شارع مقدس تا چه اندازه کار را برای ما آسان کرده است.

این نماز به قدری ساده است که حتی لازم نیست سیصد بار «العفو» و هفتاد بار استغفار بگویید و تنها همان مقدار که بگویید «اللهم اغفر للمؤمنین و المؤمنات و المسلمین و المسلمات» و بعد از آن ذکر رکوع و سجده را بگویید کفایت می‌کند.

البته بعضی از علما بر این عقیده هستند که در خواندن نماز شب سه رکعت کمتر کفایت نمی‌کند. افراد می‌توانند تنها نماز شفع و وتر را بخوانند و حتی توحید را هم نخوانند، می‌توانند ایستاده نماز بخوانند، می‌توانند نشسته نماز بخوانند و حتی می‌توانند راه بروند و بخوانند.

همچنین اگر انسان در رختخواب است، می‌تواند صورت خود را به طرف قبله کند و در همانجا نماز شب خود را بخواند به طوری که در رکوع مقداری سر خود را پایین بیاورد و در سجده مقداری بیشتر سر خود را پایین بیاورد. شارع مقدس بیشتر از این چقدر به ما تخفیف دهند!! اینکه ما مقداری تنبل هستیم مشکل خود ماست. گر گدا کاهل بود تقصیر صاحب خانه چیست!؟

لذا حضرت می‌فرماید: یکی از ویژگی‌های نماز شب گشایش درهای رزق و روزی است، کسی که دروغ می‌گوید خداوند متعال توفیق نماز شب خواندن را از او می‌گیرد. خداوند از هر کسی توفیق نماز شب را گرفت از روزی داشتن محروم می‌شود.

همچنین حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) می‌فرماید:

«اغْتِيَاذُ الْكُذِبِ يورثُ الْفَقْرُ»

اعتیاد به دروغ سبب فقر می‌شود.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۶۹،

ص ۲۶۱، ح ۳۶

سومین گرفتاری که به سبب دروغ دامنگیر انسان می‌شود «فقر» است. طبق این روایت خاصیت دروغ گفتن فقیر بودن است و فقر و بیچارگی و دروغ لازم و ملزوم یکدیگر هستند.

چهارمین مشکلی که به واسطه دروغ گفتن دامنگیر انسان می‌شود فراموشی است. به قول معروف دروغگو کم حافظه است، اما حضرت می‌فرماید: دروغگو بی‌حافظه است. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید:

«إِنَّ مِمَّا أَعَانَ اللَّهُ بِهِ عَلَى الْكُذَّابِينَ النَّسِيَانُ»

خداوند عالم افراد دروغگو را گرفتار فراموشی می‌کند.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۶۹،

ص ۲۵۱، ح ۱۸

پنجمین مشکلی که دروغ گفتن برای انسان به بار می‌آورد سلب اعتماد است. امیرالمؤمنین می‌فرماید:

«يُنْبَغِي لِلرَّجُلِ الْمُسْلِمِ أَنْ يَجْتَنِبَ مُوَآخَاةَ الْكُذَّابِ فَإِنَّهُ يَكْذِبُ حَتَّىٰ يَجِيءَ بِالصَّدَقِ فَلَا يَصْدُقُ»

تلاش کنید با افراد دروغگو رفاقت نکنید، زیرا آن‌ها دائماً دروغ می‌گویند و یک مرتبه هم که راست می‌گویند شما به آن‌ها اعتماد نمی‌کنید.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۶۹،

ص ۲۵۰، ح ۱۷

ماجرای این افراد همانند داستان چوپان دروغگو است. چوپان دروغگو هفته‌ای چند مرتبه بالای کوه می‌رفت و صدا می‌زد: "مردم، گرگ گوسفندان را خورد." مردم هم می‌رفتند و می‌دیدند حرف‌های او دروغ است.

روزی گرگ آمد و تمام گوسفندان را خورد. چوپان دروغگو هرچه داد زد، مردم خیال کردند که او بازهم دروغ می‌گوید و به کمک او نیامدند. همین مسئله باعث شد که گرگ او و تمام گوسفندان را خورد و کسی هم به داد او نرسید.

مجری:

استاد الان چوپان دروغگو زیاد شده است.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بله، الان افراد دروغگو زیاد شده است. اگر کسی شبکه‌های وهابی صهیونیستی را ببیند و از ابتدای برنامه تا انتها دروغ‌های آن‌ها را بشمارد، متوجه می‌شود که آن‌ها صدها دروغ می‌گویند تا جایی که اهل سنت هم دیگر به این افراد اعتماد نمی‌کنند.

ششمین نتیجه و آثار سوء دروغ گفتن این است که انسان را به سوی آتش جهنم می‌برد. از حضرت پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) سؤال کردند:

«يا رَسُولَ اللَّهِ مَا عَمَلُ أَهْلِ الْجَنَّةِ»

یا رسول الله! بهشتیان با چه کاری به بهشت می‌روند؟!

«فَقَالَ الصُّدْقُ إِذَا صَدَقَ الْعَبْدُ بَرٌّ وَإِذَا بَرٌّ آمِنٌ وَإِذَا آمِنٌ دَخَلَ الْجَنَّةَ»

پیغمبر اکرم فرمودند: صداقت دارند. زمانی که بنده‌ای صادق شد کارهای خوب می‌کند، زمانی که کارهای خوب کرد در ساحل امن قرار می‌گیرد و زمانی که در ساحل امن بود بلافاصله به بهشت می‌رود.

«فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا عَمَلُ أَهْلِ النَّارِ»

اصحاب پرسیدند: یا رسول الله! بهشتیان چرا به بهشت می‌روند؟

«قَالَ الْكَذِبُ إِذَا كَذَبَ الْعَبْدُ فَجَرَ وَ إِذَا فَجَرَ كَفَرَ وَ إِذَا كَفَرَ دَخَلَ النَّارَ»

پیغمبر اکرم فرمودند: دروغ می‌گویید. زمانی که بنده‌ای دروغ می‌گوید گناه می‌کند، زمانی که گناه کرد کفران نعمت می‌کند یا کافر می‌شود و زمانی که کافر شد وارد آتش جهنم می‌شود.

مجموعه ورام، نویسنده: ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی، ج ۱، ص ۴۳، باب ما جاء فی الصدق و

الغضب لله

هفتمین گرفتاری که به واسطه دروغ گفتن دامنگیر انسان می‌شود، این است که شیطان محتاج دروغ آن‌هاست. امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«إِنَّ فِيمَنْ يَنْجَلُ هَذَا الْأَمْرَ لَمَنْ يَكْذِبُ حَتَّى يَخْتِاجَ الشَّيْطَانَ إِلَى كَذِبِهِ»

افرادی هستند که به دروغ خود را شیعه معرفی می‌کنند به طوری دروغ می‌گویند که شیطان به دروغ آن‌ها احتیاج دارد.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۶۹،

ص ۲۶۰، ح ۲۸

افرادی همانند وهابیت و کارشناسان شبکه‌های شیطان‌ی ادعا می‌کنند که شیعه واقعی ما هستیم، روافض شیعه نیستند!! همچنین بعضی از غلو کنندگان که نسبت به ائمه طاهرين (عليهم السلام) ادعای الوهیت و نبوت داشتند جزو همین دسته هستند.

بنده گاهی اوقات کلیپ این افراد را در لب تاب مرور می‌کنم و واقعاً تعجب می‌کنم. دیروز رئیس دفتر تبلیغات اسلامی نزد ما تشریف آورده بودند و تعدادی از کلیپ‌ها را با هم مرور می‌کردیم. انسان واقعاً گمان نمی‌کنم که شیطان هم اینطور هتاک‌ی کند و دروغ بگوید.

کارشناسان شبکه‌های وهابی به طوری دروغ می‌گویند که بنده گمان نمی‌کنم شیطان با آن فسق و فجور بتواند این قدر دروغ بگوید.

دروغ گفتن آثار سوء زیادی دارد، اما بنده برای نمونه به همین هفت مورد اشاره می‌کنم. بنده این موارد را دسته‌بندی کردم تا در ذهن عزیزان بیننده بیشتر بماند، زیرا اگر این موارد را به صورت کلی بیان کنیم در ذهن کسی نمی‌ماند.

استاد عزیزمان آیت الله العظمی سبحانی می‌گفتند: "خوشا استادی که سرانگشتی درس بدهد." استادی در تدریس موفق است که مطالب را دسته‌بندی کند و طبق شماره بندی آن‌ها را بیان کند و در نهایت هم به همین ترتیب آن‌ها را جمع‌بندی کند.

تدریس کردن با این شیوه سبب می‌شود که در مطالب در ذهن شاگردان باقی بماند، اما زمانی که مطالب به صورت کلی بیان شود مطالب در ذهن مخاطب باقی نخواهد ماند.

بنابراین بنده از همه عزیزان بیننده مخصوصاً پدرها و مادرها تقاضا می‌کنم اگر امکان دارد کلیپ مباحث اخلاقی را تهیه کنند و در ذهن آقازاده‌ها قرار دهند.

معمولاً هر مطلبی که می‌شنویم چندین هفته در ذهن ما هست، اما این مطالب فرار است و بعد از این مدت سریع از ذهن پاک می‌شود و مطالب دیگری جایگزین آن می‌شود.

دوستان تلاش کنید فایل‌های صوتی و تصویری این مباحث اخلاقی را داشته باشید و ماهی یک بار این مطالب را گوش دهید. این مطالب سخنان اهل بیت (علیهم السلام) است و هیچ ارتباطی به ما ندارد.

کسانی که واقعاً علاقه‌مند به حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) هستند؛ خواه شیعه یا سنی باید به این مطالب عمل کنند.

ما تلاش می‌کنیم تمام مطالبی که بیان می‌شود را به صورت فایل پاورپوینت درآوریم تا روایت و مصدر آن را به همگان نشان دهیم، بسیاری از دوستان می‌گویند ما این مطالب را یادداشت می‌کنیم و در منابر و جلسات از این مطالب استفاده می‌کنیم.

بنابراین عزیزان دقت کنند برای فرزندان خود برنامه‌هایی بگذارند که خلاصه‌ای از این روایات و مطالب را برای آن‌ها دسته‌بندی کنند تا فرزندان با آثار سوء دروغ گفتن آشنا شوند. امیرالمؤمنین می‌فرماید:

«الْعِلْمُ فِي الصَّغَرِ كَالنُّقْشِ فِي الْحَجَرِ»

کنز الفوائد، نویسنده: کراچکی، محمد بن علی، محقق / مصحح: نعمه، عبد الله، ج ۱، ص ۳۱۹، فصل من

کلام امیر المؤمنین ص فی ذکر العلم

اگر فرزندان خود را جمع کردید و روایاتی در رابطه با دروغ، غیبت، محبت و امامت اهل بیت (علیهم السلام) گفتید این روایات در اذهان فرزندان شما می‌نشیند و تا ابد از ذهن آن‌ها خارج نمی‌شود و همچنین اگر پای خود را در دریای کفر و شرک گذاشت پای او خیس نمی‌شود.

مجری:

استاد من می‌خواهم نزد شما شاگردی کنم تا ببینم شاگرد خوبی هستم و نمره خوبی به بنده می‌دهید، یا خیر!؟

بنده آثار سوء دروغگویی را براساس روایاتی که استاد فرمودند را یادداشت کردم که هفت مورد هست. ما طبق این دسته بندی متوجه شدیم اگر خدای نکرده دروغ گفتیم، دروغ در زندگی ما وارد شد و به دروغگویی عادت کردیم چه اتفاقاتی در زندگی ما رخ می‌دهد؛

اولین آثار دروغگویی این است که باعث نابودی ایمان می‌شود.

دومین اثر آن این است که ملائکه از ما دور می‌شوند و فاصله بین ما و ملائکه الله زیاد می‌شود.

سومین اثر سوء دروغ گفتن این است که خدا رزق و روزی را از زندگی انسان دروغگو برمی‌دارد و روزی انسان از بین می‌رود؛ اصلاً اعتیاد به دروغ گفتن سبب فقر می‌شود.

چهارمین اثر سوء دروغ گفتن این است که سبب فراموشی می‌شود. اگر می‌خواهیم حافظه خوبی داشته باشیم یکی از راه‌های آن این است که دروغ را از زندگی خود دور کنیم. انسان‌های دروغگو کم حافظه و اصلاً فراموشکار می‌شوند.

پنجمین اثر سوء دروغ گفتن این است که سبب سلب اعتماد می‌شود. مردم به انسان دروغگو اعتماد نمی‌کنند، حرف انسان دروغگو را باور نمی‌کنند و حرف‌های او را قبول نمی‌کنند.

ششمین اثر سوء دروغ گفتن این است که سبب راهی شدن انسان به سوی جهنم می‌شود. در حقیقت ثمره و نتیجه دروغگویی جهنم است.

هفتمین اثر سوء دروغ گفتن این است که شیطان محتاج انسان دروغگو می‌شود. چقدر بد است که انسان استاد شیطان که رانده شده درگاه خداوند متعال است، شود. اگر ما به دروغ گفتن در زندگی عادت کردیم استاد شیطان می‌شویم و وای به حال ما!!

این هفت مورد از موارد آثار سوء دروغ گفتن بود که امشب از زبان استاد شنیدیم و من هم یادداشت کردم که برای خودم نگاه دارم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

امیدواریم عزیزان ما مخصوصاً غنچه‌های ولایت امشب در پیامک‌های خود این هفت مورد را ذکر کنند یا زمانی که با ما ارتباط تلفنی برقرار می‌کنند این موارد را نام ببرند.

مجری:

استاد جایزه می‌دهید؟!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اگر هم جایزه ندهیم نمره می‌دهیم.

مجری:

استاد از شما خیلی ممنونم. دوستان خوب بیننده اگر دوست داشتند این هفت مورد را از طریق پیامک یا پیام به صورت کامل برای ما بشمارند. دوستانم زحمت کشیدند و بازهم راه‌های ارتباطی را برای شما زیرنویس کردند.

سامانه پیام کوتاه ما «۳۰۰۱۲۰۳» که در ذهن شما هست که مخصوص عزیزان ما در ایران اسلامی هست. همچنین شماره دیگری زیرنویس شده است که دوستان ما در ایران و خارج از کشور از طریق برنامه‌های واتس آپ، تلگرام و وایبر در فضای مجازی می‌توانند پیام دهند.

همچنین شماره‌های تلفن هم برای شما زیرنویس شده است؛ اگر تمایل داشتید می‌توانید با ما تماس بگیرید و هفت مورد آثار سوء دروغ گفتن را برای ما بشمارید.

بخشی از پیام‌های بینندگان برنامه:

عزیزان زیادی برای ما پیام فرستادند که از ایشان ممنون و سپاسگذار هستیم. آقای آرش درخشانی از زاهدان گفتند: من اهل سنت هستم و آرزوی سلامتی برای استاد دارم، زیرا ایشان باعث شدند اطلاعات ارزشمندی در مورد اسلام ناب محمدی کسب کنم و مسیر خود را از وهابی‌های مرتد جدا کنم. خداوند به کارکنان «شبکه جهانی ولایت» عمر با عزت عنایت کند.

آقای سید اسماعیل عادل از مشهد کنار امام رضا (علیه السلام) برای ما پیام فرستادند.

دوستان عزیز دیگری هم که همیشه لطف و عنایت و مرحمت به «شبکه جهانی ولایت» و برنامه زنده «اخلاق علوی» دارند برای ما پیام فرستادند. یک مدح و منقبت از وجود نازنین آقا جانمان امیرالمؤمنین بشنویم تا جگرمان خنک شود، برمی‌گردیم.

میان برنامه‌ای که مدح و منقبت حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) بود و سخن و سرای حرم باصفای آن بزرگوار را نشان می‌داد دیدید و شنیدید.

«علی ولی الله» جمله زیبایی است که بر روی پرچم‌ها هست و به خاطر شهادتینی که در اذان ما هست خدا را شکر می‌گوییم. شکر خدا که نام علی در اذان ماست.

واقعاً زمانی که به فراز «أشهد أن علیاً ولی الله» می‌رسیم انگار خداوند روح تازه و جان تازه‌ای به وجود ما عنایت می‌کند و یک انرژی مضاعف برای ایستادن در مقابل حضرت حق و بندگی خداوند عزیز و بخشنده و مهربان را به ما عطا می‌کند.

درست است این ذکر و این شهادت جزء اذان ما نیست، اما ما با این عنوان که ان شاء الله به ما ثواب دهد و به قصد رجاء در اذنان ما می‌گوییم و اعتقاد راسخ داریم که ولایت امیرالمؤمنین بعد از نبی گرامی اسلام ولایت حق است و تا قیام قیامت هم خواهد بود.

الحمد لله پیام‌ها در برنامه ما خیلی زیاد است. دوستان در بخش‌های مختلف برنامه لطف می‌کنند پیام می‌فرستند.

بیننده عزیز می‌گفتند: من یک مسیحی هستم و عشق زیادی هم به اسلام دارم.

فکر می‌کنم فرصت خوبی است که این عزیز مسیحی ما با مطالعه درست و تحقیق راه حق و حقیقت و اسلام ناب که ولایت در آن هست را پیدا کنند.

دوستان لطف کردند سؤالاتی هم برای ما فرستادند، اما به دلیل اینکه متناسب موضوع برنامه امشب ما نیست این سؤالات را در زمان خود مطرح می‌کنیم و به آن‌ها خواهیم پرداخت.

برخی از عزیزان لطف کردند از برنامه‌های «شبکه جهانی ولایت» به ویژه برنامه زنده «اخلاق علوی» تشکر کردند.

آقای ناصر شهریار از خمینی شهر گفتند: با سلام. امام زمان (علیه السلام) به شبکه و فرماندهان باشعور و با اخلاق علوی و ولایت که با وهابیت و دشمنان اسلام مقابله می‌کنند اجر زیارت مولا علی (علیه السلام) را عطا عنایت کند.

آقا کاظم از تویسرکان گفتند: من عاشقانه برنامه‌های شما را دنبال می‌کنم.

عزیزی از برنامه‌های «شبکه جهانی ولایت» تشکر کردند و گفتند: تشکر از اینکه روشنگری می‌کنید و راه را به ما نشان می‌دهید.

عزیز دیگری تشکر کردند.

برخی از عزیزان هم وقتی به ما پیام می‌دهند از ما التماس دعا دارند. به هر صورت مردم گرفتاری‌ها و مشکلاتی دارند و به دنبال این هستند که مشکلاتشان حل شود و فکر می‌کنند «شبکه جهانی ولایت» جای خوبی است که التماس دعا بگویند.

البته ما که اگر لایق باشیم دعاگو و نایب الزیاره شما در قم مقدس و هرجایی که توفیق حضور پیدا کنیم، هستیم.

همان‌طور که در گفتگویمان با استاد خدمت شما عرض کردیم منتظر هستیم تا هفت مورد از آثار سوء دروغگویی در زندگی از زبان حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) برای ما بیان کنید. دوست داریم اگر شما به ما پیام می‌دهید یا تماس می‌گیرید این موارد را توضیح دهید.

شما می‌توانید این موارد را یادداشت کنید، زیرا برای زندگی خودتان هم بسیار مفید است. شما می‌توانید این موارد را بنویسید و به صورت تابلو یا بروشور درآورید.

همچنین فضای مجازی که الحمدلله فعالیت برخی از دوستان زیاد است فرصت خوبی است که این مطالب را به دیگران هم انتقال دهند تا همگان بتوانند از کلام حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) استفاده کنند.

استاد یکی از گناهایی که در کنار دروغ می‌توان از آن نام برد، «نفاق» است. ما گاهی اوقات تصور می‌کنیم انسان منافق تنها کسی است که در جایی بمب‌گذاری کرده است، اما وقتی بیشتر دقت می‌کنیم می‌بینیم در رفتار و کردار ما حالت نفاق ممکن است وجود داشته باشد.

ما می‌خواهیم شما در مورد رابطه دروغ و نفاق قدری صحبت کنید. آیا اصلاً دروغ گفتن نوعی نفاق محسوب می‌شود، یا خیر؟!

رابطه مستقیم «دروغ»؛ با «نفاق»!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

همان‌طور که حضرت‌عالی اشاره کردید نفاق به معنای دوگانگی ظاهر و باطن یک انسان است. گاهی اوقات شخصی از شما تعریف و تمجید می‌کند، درحالی‌که قلباً از شما ناراحت است.

همچنین گاهی اوقات شخصی مطلبی را اظهار می‌کند حال آنکه عقیده قلبی او خلاف آن است. در این صورت کار این شخص دروغ، دورویی، تملق و نفاق محسوب می‌شود. شیعه و اهل سنت در این رابطه روایات زیادی دارند.

«ابو هریره» از رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) روایتی نقل می‌کنند که حضرت فرمودند:

«آيَةُ الْمُنَافِقِ ثَلَاثٌ إِذَا حَدَّثَ كَذَبَ وَإِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ وَإِذَا أُؤْتِمِنَ خَانَ»

نشانه‌های منافق سه مورد است؛ زمانی که حرف می‌زند دروغ می‌گوید، زمانی که وعده دهد خلف وعده می‌کند و زمانی که کسی امانت دست او بسپارد در امانت خیانت می‌کند.

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ١، ص ٢١،

ح ٣٣

در روایت دیگری وارد شده است: چهار صفت هست که در هرکسی باشد منافق واقعی است و هرکسی یکی از این صفت را دارا باشد یک ویژگی از منافق را داراست، مگر اینکه دست بردارد. آن ویژگی‌ها چنین است: خیانت کردن در امانت، دروغ گفتن در سخن گفتن، عهد بستن و عهد شکستن، دشمنی کردن و فجور کردن.

حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) می‌فرماید:

«بِالْكَذِبِ يَتَزَيَّنُ أَهْلُ التَّفَاقِ»

منافقین با دروغ خود را آرایش و زینت می‌کنند.

تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، نویسنده: تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، محقق / مصحح: درایتی،

مصطفی، ص ۲۱۹، ح ۴۳۷۱

همچنان که خداوند متعال می‌فرماید:

وَ إِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِؤُنَ

و هنگامی که افراد با ایمان را ملاقات می‌کنند می‌گویند ما ایمان آورده‌ایم، (ولی) هنگامی که با شیاطین خود خلوت می‌کنند می‌گویند با شمائیم ما (آن‌ها) را مسخره می‌کنیم.

سوره بقره (۲): آیه ۱۴

مجری:

استاد یاد بعضی از انسان‌ها افتادم. افرادی هستند که ادعا می‌کنند با همه جور انسانی نشست و برخاست می‌کنند. آن‌ها این ویژگی را نقطه مثبت خود می‌دانند که با همه جور انسانی دم‌خور هستند.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

خواهی نشوی رسوا هم‌رنگ جماعت شو

این شعار غلط است، بلکه درست آن چنین است:

خواهی نشوی رسوا هم‌رنگ حقیقت شو

هرجایی که حق و حقیقت است ما باید آنجا باشیم؛ همچنان که ائمه طاهرين (عليهم السلام) می‌فرماید:

«تَخَلَّقُوا بِأَخْلَاقِ اللَّهِ»

اخلاق الهی را در خود احیا کنید.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۵۸،

ص ۱۲۹، باب تتمیم

ائمه طاهرين (عليهم السلام) می‌فرمایند: اخلاق و آداب الهی را در خود احیا کنید. خداوند متعال می‌فرماید:

(صِبْغَةَ اللَّهِ وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً)

رنگ خدایی (بپذیرند، رنگ ایمان و توحید و اسلام) و چه رنگی از رنگ خدایی بهتر است؟

سوره بقره (۲): آیه ۱۳۸

لذا امیرالمؤمنین می‌فرماید: ویژگی منافق این است که با دروغ خود را آرایش می‌کند. او تلاش می‌کند حیات، زندگی و بقای خود را با دروغ عجین کند. اگر دروغ را از زندگی شخص منافق حذف کنند دیگر هیچ ارزشی ندارد. امیرالمؤمنین در روایت دیگری می‌فرماید:

«سَرُّ الْأَخْلَاقِ الْكُذِبُ وَ النَّفَاقُ»

بدترین اخلاق دروغگویی و نفاق است.

تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، نویسنده: تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، محقق / مصحح: درایتی،

مصطفی، ص ۲۱۹، ح ۴۳۷۳

این دو ویژگی قرین هم هستند. رسول گرامی اسلام می‌فرماید:

«الْكَذِبُ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ النِّفَاقِ»

دروغ یکی از درهای نفاق است.

مجموعه ورام، نویسنده: ورام بن اَبی فراس، مسعود بن عیسی، ج ۱، ص ۱۱۳، باب الکذب

به عبارت دیگر درهای ورودی به سوی نفاق متعدد است که یکی از آنها دروغگویی است. بنابراین کاملاً واضح و روشن است که دروغ گفتن و نفاق قرین همدیگر هستند.

همچنین در بعضی از موارد دروغ و نفاق به تنهایی مورد مذمت قرار گرفته است. در جایی که نفاق به تنهایی آمده به این معناست که نفاق از در دروغ وارد شده است و به خانه نفاق رفته است.

بخشی از پیام‌های بینندگان برنامه:

مجری:

استاد از شما خیلی ممنونم. به لطف دوستان برخی از پیام‌ها به دست ما می‌رسد، اما مواردی که ما خواسته بودیم هنوز به دست ما نرسیده است.

استاد در برنامه مواردی از آثار سوء دروغ را فرمودند که بنده هم مرور کردم. اگر دوست داشتید برای ما پیام بفرستید یا تماس بگیرید.

آقا حامد از شهری گفتند: پدر بزرگوارشان مریض هستند. ان شاءالله همه دوستان دعا کنند، ما هم دعاگو هستیم و حضرت استاد هم دعا می‌کنند.

عزیزی از سیستان و بلوچستان پیام دادند و یک جمله «یا علی مدد» و «جانم فدای امیرالمؤمنین» برای ما فرستادند.

بیننده عزیزی از عراق گفتند: من علی عسکر از کشور عراق هستم. ایشان از برنامه‌های «شبکه جهانی ولایت» بسیار تشکر کردند که ما هم از این عزیزمان ممنونیم. این عزیزان به اهل بیت عصمت و طهارت در عتبات نزدیک هستند، اگر مشرف شدند ما را هم دعا کنند.

استاد بحث دروغ واقعاً بحث گسترده‌ای است که شاید جنبه‌های مختلف بحث و گفتگو را داشته باشد. حضرتعالی هم فرمودید که اصلاً دروغ گفتن به نوعی نفاق است.

گذشته از تمام این آثار، آیا دروغ به تنهایی پای بی‌اعتمادی نیست؟! البته یکی از موارد هفتگانه‌ای که در مورد آثار دروغ گفتن شمردید همین مسئله است.

«سلب اعتماد دیگران»؛ نتیجه مهم دروغ‌پردازی!!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

امیرالمؤمنین در این زمینه عبارتهای گوناگونی دارد. ما در موارد هفتگانه این مسئله را به صورت فهرست‌وار بیان کردیم، البته بحث نفاق هم یکی از آثار سوء دروغ است. همچنین یکی از آثار سوء دروغ گفتن، بی‌اعتمادی مردم به انسان است.

امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) این موارد را با عبارتهای زیبایی بیان کرده است. به عنوان مثال امیرالمؤمنین در روایتی می‌فرماید:

«الْكَذَّابُ مُتَّهَمٌ فِي قَوْلِهِ وَ إِنْ قُوِيَ حُجَّتُهُ وَ صَدَقَتْ لَهُجَّتُهُ»

حرف انسان دروغگو خریدار ندارد هرچند استدلال محکمی داشته باشد و با صداقت لهجه صحبت کند.

تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، نویسنده: تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، محقق / مصحح: درایتی،

مصطفی، ص ۲۲۰، ح ۴۳۸۵

به عبارت دیگر انسان ظاهراً می‌بیند که این شخص حرف اساسی می‌زند، اما به دلیل اینکه دروغ زیاد گفته است مردم حرف راست و با سند او را هم نمی‌پذیرند و صداقت لهجه او را هم زیر سؤال می‌برند. به عبارت دیگر وقتی که دروغ آمد دیگر اعتبار انسان زیر سؤال می‌رود.

امیرالمؤمنین در روایت دیگری می‌فرماید:

«الْكَذَّابُ وَالْمَيْتُ سَوَاءٌ»

انسان دروغگو با مرده یکسان است.

«فَإِنَّ [لَأَنَّ] فَضِيلَةَ الْحَيِّ عَلَى الْمَيْتِ الثَّقَّةُ بِهِ»

فضیلت انسان زنده بر مرده این است که مردم به گفتار شخص زنده اعتماد دارند، اما اگر حرفی از دهان مرده‌ای بیرون بیاید مردم به حرف او اعتماد نمی‌کنند.

«فَإِذَا لَمْ يُوْتَقْ بِكَلَامِهِ [فَقَدْ] بَطَلَتْ حَيَاتُهُ»

زمانی که حرف کسی خریدار نداشته باشد و مردم به حرف او اعتماد نداشته باشند خط بطلان بر زندگی او خورده است.

تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، نویسنده: تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، محقق / مصحح: درایتی،

مصطفی، ص ۲۲۰، ح ۴۳۸۶

در این صورت ضربدر قرمز به حیات این شخص خورده است و حرف‌های او فایده‌ای ندارد. ارزش یک انسان بر این است که حرف‌های او مورد اعتماد باشد.

زمانی که گفتار کسی نزد همسر و فرزندان، پدر و مادر، خواهر و برادر، دوست و همسایه مورد اعتماد نیست همانند مرده است؛ تنها همانند مرده‌ای متحرک است.

مجری:

استاد موارد بعدی را نگه دارید، زیرا تلفن داریم. اجازه بدهید صدای دوستان خوب بیننده را بشنویم و بازهم در خدمت شما خواهیم بود و حتماً روایاتی از مواردی که باعث دروغ می‌شود را از زبان امیرالمؤمنین برای ما بیان خواهید کرد.

تماس بینندگان برنامه:

آقا محمد باقر از تکاب بیننده‌ای هستند که پشت خط ارتباطی ما هستند. آقا محمد باقر سلام به شما:

بیننده (آقا محمد باقر از تکاب - شیعه):

سلام عرض می‌کنم خدمت استاد قزوینی خار چشم وهابیت و آقای اسماعیلی عزیز.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

بیننده:

انشاءالله خدا از عمر من بکاهد و به عمر شما بیفزاید.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

خداوند کریم است انشاءالله هم عمر شما را اضافه کنند و هم اگر صلاح دیدند عمر ما را اضافه کنند.

بیننده:

شما واقعاً افتخار شیعه هستید، ما به این شبکه واقعاً افتخار می‌کنیم. شبکه‌های وهابی در رأس آن‌ها دزد پارچه فروش، دهن کجی کرده بودند و می‌گفتند: "جوانان هرات و سیستان و بلوچستان را تحریک نکنید!!" ما هم با اجازه شما می‌گوییم: جوانان عاشق رهبر و جوانان عاشق انقلاب و جوانان انقلاب و هیئتی‌ها را هم شما تحریک نکنید. اگر این جوانان به میدان بیایند پدرتان را در خواهند آورد!!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

آقا محمد باقر این افراد به قدری در مورد شیعه و اهل سنت دروغ گفتند که اصلاً به حرفشان اعتباری نیست. این افراد چند سال است که داد می‌زنند: "به عراق نروید، داعش در ایران است. به خیابان‌ها بریزید، شعار بنویسید و علیه حکومت قیام کنید."

حال انتخابات نزدیک است؛ خواهید دید که جوانان اهل سنت دوشادوش جوانان شیعه به میدان می‌آیند و در انتخابات شرکت می‌کنند. همچنین در محرم و صفر مشاهده می‌کنید که مردم استان‌های سنی نشین در عزاداری اهل بیت (علیهم السلام) شرکت می‌کنند.

در ایام میلاد رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) اهل سنت چندین برابر شیعه شادی می‌کنند. ما شیعیان در میلاد رسول گرامی اسلام یک شب شادی می‌کنیم، اما اهل سنت هفت شبانه روز مراسم جشن و شادی دارند.

اگر عده قلیلی از جوانان نادان و خودفروخته که فریب وهابیت را در بعضی از کشورها خورده‌اند به سوریه رفتند همگی پشیمان هستند. این افراد انتظار داشتند که خلافت اسلامی در سوریه و عراق ایجاد کنند، اما در حال حاضر حتی در توالد منزل هم آبرو ندارند.

خانواده این افراد از این افراد متنفر هستند. این افراد بلاهایی سر سوریه آوردند که پنجاه سال بعد هم این کشور به حالت اولیه خود در نمی‌آید. در عراق، سوریه، یمن و دیگر بلاد اسلامی شهرهای سنی نشین صدها برابر شهرهای شیعه نشین ویران شده است.

هرجایی که طرفداران وهابیت رفتند غیر از کارهای خلاف و گند هیچ کار دیگری انجام ندادند. شما طرفداران خود را از سوریه و عراق بیرون کنید، زیرا سنی و شیعه عمری باهم زندگی کردند و از این به بعد هم زندگی خواهند کرد.

چند سال بعد از سقوط صدام شیعه و سنی باهم مشکلی نداشتند، اما از زمانی که تروریست‌های فاسد و وحشی با تحریک وهابیت روی کار آمدند این مشکلات به وجود آمد. شما جوانان را با تحریک به سوریه و عراق آوردید و به قتلگاه آن‌ها تبدیل کردید.

الحمدلله به برکت جوانان شیعه و اهل سنت وهابیت ضربه شستی خورد که من گمان می‌کنم آن‌ها نتوانند تا قیام قیامت سر بلند کنند و جرئت نکنند نام خلافت اسلامی را به زبان بیاورند.

بعضی از کشورهای ضعیف و بی‌اراده منطقه به بال و پر آمریکا می‌بالند و افتخار می‌کنند، اما ما به همه یاهو سرایان شبکه‌های وهابی می‌گوییم و اگر صدای ما به این سران کشورهای منطقه برسد بدانید که چندین سرباز عادی ما، تفنگداران آمریکایی را اسیر کردند.

در مقابل آمریکا که هیچ، طرفداران آمریکا هم هیچ غلطی نمی‌توانند کنند. وزیر امور خارجه آمریکا در یک روز ۵۰ بار به آقای ظریف زنگ زد که آن‌ها را آزاد کنید.

مجری:

این افراد با حالتی ذلیلانه گریه می‌کردند.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بنده نمی‌خواستم این مطلب را بگویم و از دوستان عذرخواهی می‌کنم، اما دو هفته بعد از این ماجرا ما در آنجا سخنرانی داشتیم و جلسه‌ای هم برای دوستان داشتیم به فرمانده محترم نیروی دریایی گفتم: شما هرچه بود از ذلت، گریه و التماس این افراد گفتید. هرچه اطلاعات بود گرفتید و چیزهایی هم مانده بود که نگفتید؟!

فرمانده نیروی دریایی گفت: زمانی که ما آن‌ها را دستگیر کردیم طوری خود را خراب کرده بودند که بوی گند تمام فضا را گرفته بود و از همه آن‌ها هم فیلمبرداری کردیم.

مجری:

آن بخش‌ها را نشان ندادند.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

شماها که هیچ عددی نیستید. شما همانند پشه‌ای هستید که روی درختی نشست و وقتی که می‌خواست بلند شود، گفت: ای درخت مواظب باش ریشه تو درنیاید، زیرا من می‌خواهم از روی تو بلند شوم!! درخت در جواب گفت: اصلاً نفهمیدم کی نشستی!!

شماها هیچ عددی نیستید، مردم اعم از شیعه و سنی فریب شماها را نمی‌خورند. من در خدمت شما هستم.

مجری:

آقا محمد باقر از تکاب از شما ممنونم. آقای بهادری از کرج پشت خط ارتباطی ما هستند، آقای بهادری سلام و درود به شما:

بیننده (آقای بهادری از کرج - شیعه):

سلام علیکم و رحمة الله خدمت حضرت آیت الله آقای دکتر حسینی قزوینی و همچنین آقای اسماعیلی. امیدوارم به برکت وجود امام زمان (ارواحنا له الفداه) خداوند به حضرتعالی سلامتی و جزای خیر عنایت کند. قبل از هرچیز ما شیعیان و محیبت امیرالمؤمنین ارادت خاصی نسبت به عزیزان اهل سنت داریم. ما اهل سنت را از خودمان می‌دانیم، حال بحثی در مسائل دینی هست که این مسئله را دلیل بر این نمی‌دانیم که به این عزیزان گزافه کنیم. خداوند متعال می‌فرماید:

(ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ)

با حکمت و اندرز نیکو به سوی راه پروردگارت دعوت نما، و با آن‌ها به طریقی که نیکوتر است استدلال و مناظره کن.

سوره نحل (۱۶): آیه ۱۲۵

اما شما در مورد بحث دروغ‌گویی مطالبی فرمودید. بنده در این رابطه به کتاب «تاریخ ابن عساکر» اشاره می‌کنم. او در کتاب تاریخ خود مطلبی را نقل کرده و آقای «متقی هندی» در کتاب «کنز العمال» صفحه ۲۳۹ نقل می‌کنند: جناب عمر بن خطاب خلیفه دوم «ابو هریره» را با تازیانه به شدت می‌زد، زیرا که او از پیغمبر اکرم زیاد نقل حدیث می‌کرد و روایاتی که او نقل می‌کند را خلفا نشنیده‌اند.

خلیفه دوم به «ابو هریره» هشدار می‌دهد که اگر زیاد از پیغمبر اکرم نقل حدیث کند او را به سرزمین دوس (محل تولد او) می‌فرستد که به سرزمین بوزینگان معروف است.

«ابن ابی الحدید» در کتاب خود جلد اول صفحه ۳۶۰ می‌نویسد: از استاد خودش «ابو جعفر اسحاقی» نقل می‌کند که حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) فرمودند: بدانید دروغ‌گوترین زندگان به رسول خدا «ابو هریره دوسی» است.

آقایان وهابی که دائماً می‌گویند: "قال ابو هريره (رضی الله عنه)" به این مطالب توجه داشته باشند.

آقای «ابن قتیبه» در کتاب «تأویل مختلف الحدیث» و آقای «حاکم نیشابوری» در کتاب «المستدرک علی الصحیحین» جلد ۳ و جناب آقای «ذهبی» در کتاب «تخلیص المستدرک» و جناب «مسلم» در کتاب «صحیح مسلم» در فضائل «ابو هریره» نقل می‌کند: "عایشه مکرر «ابو هریره» را رجم می‌کرد و می‌گفت که او کذاب است و از قول رسول خدا بسیار حدیث جعل می‌کند."

بالاخره «ابو هریره» را نه تنها ما مردود نخوانده‌ایم، بلکه جناب عمر خلیفه دوم، حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) و عایشه هم او را رجم کردند.

زمانی که بنده کتاب «ابن کثیر» را مطالعه کردم، او در کتاب خود آورده است: «ابو هریره» با «کعب الاحبار» که در زمان عمر از یمن آمده بود و مسلمان شده بود در ارتباط بود.

«کعب الاحبار» حدیث اسرائیلیات را به «ابو هریره» می‌داد و او هم یا به نقل از پیغمبر اکرم حدیث جعل می‌کرد و یا از کیسه خود حدیث بیرون می‌آورد. در حقیقت آن‌ها به نوعی با هم مبادله و معامله داشتند. اگر فرصتی بود استاد توضیحاتی راجع به این قضیه بدهند.

مجری:

آقای بهادری عزیز از شما ممنونم و از لطف و عنایت شما تشکر می‌کنم. خدانگهدار، ان شاءالله استاد توضیحاتی در این زمینه خواهند داد.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بله، البته این عزیزمان که این مطالب را آوردند این کتب همگی کتب اهل سنت است و از شیعه هیچ روایتی نقل نکردند.

کتاب «تأویل مختلف الحدیث» یکی از کتب معتبر اهل سنت اثر «ابن قتیبہ دینوری» است. ایشان در این کتاب می‌گویند: «ابو هریره» روایاتی آورده است؛

«فِيمَا لَا يُوَافِقُهُ عَلَيْهِ أَحَدٌ مِنَ الصَّحَابَةِ»

هیچ یک از صحابه با او موافق نبودند.

«وَقَدْ أَكْذَبَهُ عُمَرُ، وَعُثْمَانُ، وَعَائِشَةُ»

عمر و عثمان و عایشه به تحقیق او را تکذیب کردند.

تأویل مختلف الحدیث، المؤلف: أبو محمد عبد الله بن مسلم بن قتيبة الدينوري (المتوفى: ٢٧٦ هـ)،
الناشر: المكتبة الاسلامی - مؤسسة الإشراف، الطبعة: الطبعة الثانية - مزیده و منقحة ١٤١٩ هـ - ١٩٩٩ م،
ج ١، ص ٥٦، باب مقدمة ابن قتيبة

طبق نظر «ابن قتیبہ» صحابه «ابو هریره» را تکذیب کردند و ادعا کردند که او دروغ می‌گوید. همچنین در جای دیگری از این کتاب نام «ابو هریره» وارد شده است که بعد از آن می‌گویند:

«أَكْذَبَهُ عُمَرُ، وَعُثْمَانُ، وَعَلِيٌّ وَعَائِشَةُ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ»

عمر و عثمان و امیرالمؤمنین و عایشه، ابوهریره را تکذیب کردند.

تأویل مختلف الحدیث، المؤلف: أبو محمد عبد الله بن مسلم بن قتيبة الدينوري (المتوفى: ٢٧٦ هـ)،
الناشر: المكتبة الاسلامی - مؤسسة الإشراف، الطبعة: الطبعة الثانية - مزیده و منقحة ١٤١٩ هـ - ١٩٩٩ م،
ج ١، ص ٧٢، باب الرد على أصحاب الكلام

همچنین در روایت وارد شده است که «ابو هریره» می‌گویند:

«وروی حدیثا فی المشی فی الخف الواحد فبلغ عائشة فمشت فی خف واحد وقالت لأخالفن أبا هريرة»

ابو هریره حدیثی نقل کرد که با یک لنگه کفش نمی‌توان راه رفت، اما عایشه با یک لنگه کفش راه رفت و گفت: من فقط می‌خواهم با ابو هریره مخالفت کنم.

«وروی أن الكلب والمرأة والحمار تقطع الصلاة»

ابو هریره نقل کرد که راه رفتن سگ، زن و الاغ از جلوی انسان سبب بطلان نماز می‌شود.

«فقال عائشة رضي الله عنها ربما رأيت رسول الله يصلي وسط السرير»

سپس عایشه گفت: پیغمبر اکرم نماز می‌خواند و من جلوی او بودم.

تأویل مختلف الحدیث، اسم المؤلف: عبدالله بن مسلم بن قتيبة أبو محمد الدينوري، دار النشر: دار الجيل

- بيروت - ۱۳۹۳ - ۱۹۷۲، تحقيق: محمد زهري النجار، ج ۱، ص ۲۲، باب بسم الله الرحمن الرحيم

همچنین در روایت دیگری وارد شده است که عایشه می‌گوید: همین مانده است که «ابو هریره» زنان را با الاغ و سگ یکسان بدارد.

این روایات، مطالبی است که در کتب عزیزان اهل سنت وارد شده است. متأسفانه ما مشاهده می‌کنیم در کتاب «صحیح بخاری» از حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) ۲۹ روایت نقل شده است، حال آنکه از «ابو هریره» حدود ۲۴۰ روایت نقل می‌کند.

در تمام منابع روایتی اهل سنت از «ابو هریره» طبق «اسماء الصحابة الرواة و ما لكل واحد منهم من العدد» صفحه ۳۷ تعداد ۵۳۷۴ روایت نقل کردند؛ حال آنکه از امیرالمؤمنین در تمام منابع روایی ۵۳۶ روایت نقل کردند.

به عبارت دیگر تعداد روایاتی که از حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) نقل کردند یک دهم روایاتی است که از «ابو هریره» نقل کردند. با تمام این اوصاف «ابن حزم» معتقد است که تنها ۵۰ روایت از روایات امیرالمؤمنین صحیح بود.

از «ابو هریره» تعداد ۵۳۷۴ نقل شده است، اما از صحیح بودن یا ضعیف بودن آن صحبتی به میان نیامده است، حال آنکه ۵۳۶ روایت از امیرالمؤمنین نقل شده است که آن هم ادعا می‌کنند که ۵۰ روایت از این روایات بیشتر صحیح نیست!!

آقای «بخاری» از «ابو هریره» ۴۴۶ روایت نقل کرده است، اما از امیرالمؤمنین ۲۹ روایت نقل کرده است. البته این مطالب حرف‌های ما نیست، بلکه آقای «ابن حجر عسقلانی» در کتاب «مقدمه فتح الباری» در صفحه ۴۷۶ و ۴۷۷ این مطالب را بیان کرده است.

حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) خلیفه چهارم اهل سنت است و از ابتدای کودکی کنار رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) بوده است.

دلیل اینکه از افرادی مانند ابوبکر یا عمر روایات کمی نقل شده این است که آن‌ها ۲ سال و ۱۳ سال بیشتر با پیغمبر اکرم نبودند، اما حضرت امیرالمؤمنین بعد از وفات رسول گرامی اسلام حدود ۳۰ سال در میان مردم زندگی کردند.

مشاهده کنید که «بخاری» در طول ۳۰ سال تنها ۲۹ روایت از امیرالمؤمنین نقل کرده است، اما از «ابو هریره» ۴۴۶ روایت نقل شده است.

باز هم تأکید می‌کنم این مطالب در کتاب «مقدمه فتح الباری» اثر «ابن حجر عسقلانی» صفحه ۴۷۶ و ۴۷۷ بیان شده است.

مجری:

بنابراین این هم نمونه‌ای بارز از دروغ و دروغ‌گویی است که امشب موضوع بحث ما بود.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

حتی وارد شده است که «ابو هریره» روایتی نقل می‌کند، سپس از او می‌پرسند: روایت از پیغمبر اکرم است؟! می‌گوید: این روایت از کیسه خودم بوده است!!!

همچنین آقای «ناصر الدین البانی» در کتاب «إرواء الغلیل» جلد ۳ صفحه ۳۱۷ توضیحات زیبایی در این زمینه بیان کرده است.

مجری:

استاد خیلی از شما متشکرم. ان شاءالله ما هفته آینده در برنامه زنده «اخلاق علوی» این بحث‌هایی که در مورد حس بی‌اعتماد و سایر آثار سوء دروغ‌گویی در دنیا و آخرت صحبت خواهیم کرد و از محضر استاد بهره‌مند خواهیم شد.

حسن ختام ان شاءالله دعای حضرت استاد در حق همه ما باشد.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

به دلیل اینکه شاید برخی از دوستان تصور کنند این حرف‌ها از خودمان است، باید بگویم که در کتاب «صحیح بخاری» روایتی وارد شده است که تقاضا می‌کنم جوانان عزیز اهل سنت مقداری بیشتر به این مسائل دقت کنند.

در کتاب «صحیح بخاری» جلد ۵ صفحه ۲۰۴۸ حدیث ۵۰۴۰ روایتی وارد شده است که «ابو هریره» می‌گوید:

«قال قال النبي أفضل الصدقة ما ترك غنى واليد العليا خير من اليد السفلى وأبداً بمن تقول تقول المرأة
إما أن تطعمني وإما أن تطلقني ويقول العبد أطعمني واشتغمني ويقول الابن أطعمني إلى من تدعني»

سپس:

«فقالوا يا أبا هريرة سمعت هذا من رسول الله»

مردم گفتند: یا ابا هریره این روایت را از رسول الله شنیدی؟

«قال لا هذا من كيس أبي هريرة»

ابو هریره گفت: نه، این روایت از کیسه ابی هریره است.

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار
ابن كثير، اليمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ٥، ص
٢٠٤٨، ح ٥٠٤٠

اگر این روایت از کیسه «ابی هریره» است، «قال قال النبي» چه معنایی دارد؟! البته بعضی از جوانان و
بزرگواران اهل سنت نسبت به این قضایا عنایت دارند و بعضی از علمای اهل سنت همانند «ابن ریه» و دیگران
در این زمینه کتب مفصلی گردآوری کردند.

یکی از آرزوهای ما این است که علما و بزرگواران اهل سنت قلم بردارند و روایاتی که نسبت به انبیاء، نبی گرامی
اسلام و حتی همسر پیغمبر اکرم در کتاب «صحيح بخاري» و «صحيح مسلم» است را تفکیک و دسته بندی
کنند.

روایاتی نسبت به عایشه همسر پیغمبر اکرم در کتب صحیحین بیان شده است که انسان واقعاً از بیان کردن
آنها خجالت می کشد. بنده بارها گفتم که یقین دارم این روایات توسط بنی امیه جعل شده است.

به عقیده بنده عایشه عاقل‌تر از این است که مسائل خصوصی خانوادگی و زناشویی خود را در ملأ عام مطرح کند. بنی امیه نتوانستند از پیغمبر اکرم انتقام بگیرند و به همین خاطر مطالبی را از زبان آن بزرگوار نقل کردند. یکی از برادران به نام آقای «حسن البنا» کتاب «صحیح بخاری» را مقداری تلخیص کرد، اما با استقبال مواجه نشد.

البته ما هم کتاب صددرصد صحیح نداریم، افتخار ما بر این است که اگر سند آن مخدوش باشد بزرگان ما به آن عمل نمی‌کنند. به عنوان مثال اگر روایتی در کتاب «کافی» و «تهذیب» باشد، اما سند آن ضعیف باشد علمای ما به آن عمل نمی‌کنند.

چند شب پیش آقای «کالکربی» ادعا می‌کرد که من به آیت الله العظمی مکارم شیرازی گفتم: شما چرا کتب خود را از احادیث ضعیف مبرا نمی‌کنید؛ ایشان در جواب گفت: "اگر ما چنین کاری کنیم ما را طرد می‌کنند!!" والله این حرف دروغ است!!! آیت الله العظمی مکارم شیرازی همین جا روی خط آمدند و گفتند: «کالکربی» مطالبی نوشته بود، اینجا آمد و همانند یک بچه دبستانی جلوی من زانو زد و سؤالات خود را پرسید و من هم جواب دادم و او یک کلمه هم حرفی نزد؛ حال این شخص از راه دور بلبل شیدا شده است و چنین ادعاهایی بیان می‌کند.

بنده بارها گفتم علت اینکه در میان شیعیان کسی تا به حال نیامده احادیث صحیح و ضعیف را از هم جدا کند، این است که بحث رجال اجتهادی است.

به عنوان مثال یک مجتهد فتوا می‌دهد که روایت «محمد بن سنان» صحیح است و دیگری آن را ضعیف می‌شمارد. مجتهدی فتوا می‌دهد که «سهل بن زیاد» ثقه است و دیگری معتقد است که او ثقه نیست.

اگر کسی بخواهد این مطالب را بنویسد به فتوای کدامیک عمل کنیم؟! بنابراین هرکسی می‌خواهد در این زمینه مطالعه کند خود باید صاحب نظر باشد و با توجه به ادله وثاقت «سهل بن زیاد» را می‌فهمد یا ضعف او را استنباط می‌کند!!

بنده بارها به افرادی که در این زمینه مطالبی نوشته‌اند گفتیم که این افراد جز خیانت کار دیگری نکرده‌اند. ما کار افرادی که در رابطه به کتب «بحارالانوار» کتاب «صحیح» نوشته‌اند را خیانت می‌دانیم و مراجع ما هم به هیچ وجه این کار را قبول ندارند.

شما که اهل فلان کشور عزیز هستید مگر حوزه علمیه در رجال مقلد حضرتعالی است که ادعا می‌کنید ۴۸ روایت از ۵۰ روایت ضعیف است. این مطالب را از کجا و با چه مبنایی بیان می‌کنید؟!

مراجع ما از جمله آیت الله العظمی خوئی، امام خمینی، شیخ انصاری، آخوند خراسانی و دیگران چنین کاری نکردند؛ حال شما امروز ادعا می‌کنید که می‌توانید کتب شیعه را به صحیح و ضعیف تقسیم بندی کنید!!

این کارها کار درستی نیست؛ اگر راست می‌گویید روایاتی که فقهای ما آن را ضعیف شمردند انتخاب کنید و روایاتی که صحیح شمردند را انتخاب و منتشر کنید. خیلی خوب است و این کار، کار زیبایی است.

ما مدتی این کار را دنبال کردیم، اما دوستان ما دیگر این کار را ادامه ندادند. ما تمام روایاتی که فقهای ما از زمان «شیخ مفید» تا عصر حاضر آن را صحیح، ضعیف، موثق و حسن خواندند را جدا کردیم.

ما اگر امکانات داشته باشیم این کتب را به چاپ می‌رسانیم. البته ما اقوال فقها را آوردیم، نه اینکه بخواهیم اجتهاد خودمان را اعمال کنیم.

خدایا تو را قسم می‌دهیم به آبروی حضرت محمد و آل محمد فرج مولای ما امام زمان نزدیک بگردان.

خدایا رفع گرفتاری از همه گرفتاران بنما. خدایا حوائج حاجت مندان روا نما.

خدایا به حق محمد و آل محمد حوائج ما، حوائج دست اندرکاران «شبکه جهانی ولایت»، حوائج بینندگان عزیز مخصوصاً حوائج ولایت یاوران عزیز برآورده نما. خدایا دعاهای ما را به اجابت برسان.

والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته

مجری:

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

ان شاء الله برنامه امشب «اخلاق علوی» مورد طبع باصفای شما دوستان خوب بیننده قرار گرفته باشد. در پناه حضرت حق و زیر سایه حضرت مرتضی علی باشید.

التماس دعای خیر، یا علی مدد، خدانگهدار